

بشهادت رسد اما و بر ابراهیم بن موسی و طفیل رضی الله عنهما نوم پیام
شهادت شد و پس روی کسب و بن الطفیل را بجز حجت بسیار رسید
اما صحیح یافت و در خلافت امیر المومنین علیه السلام رضی الله عنهما
عام الیه موقوف شد **سینه موی رسول الله صلی الله علیه و آله** وی گفته است
که مرا امام مسلم رضی الله عنهما ازاد کرده بشرط آنکه مادام که رسول
الله علیه و سلم در جهات باشد خدمت وی کنم من لضم و الله که اگر
تو این شرط کنی تا زنده ام در خدمت وی نخواهم بود و در روایت
آمده است که وی ده سال خدمت کرد از وی پرسیدند که نام
تو چیست گفت من نام خود میگویم مرا رسول الله صلی الله علیه و سلم
سینه نام نهاده است پرسیدند که چرا آنرا سینه نهادی فرمود که
روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم با اصحاب بیرون آمدند میانهای
ایشان گران کرد رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود که کس از خود را بگردد
بگردد ایندم میانهای همه را در اینجا نهاد پس هر کفت برودار
که تو سینه را گران روزی بر من بار کردندی بارشتری بهتری
و همچنین ما هفت بار ششم و نهمی بر من گران جایندی **سینه موی رسول الله صلی الله علیه و آله**

که گفتند

که گفت کوشی نشستم بنگارتم و من بر خفته باره جانم موج مرا به سینه
اندخت که در اینجا نشستی بود گفتیم تا با جبارت من سینه ام موی
رسول الله صلی الله علیه و سلم سر خود را بر سرم نهادی فرمود او در
پهلوی خود را بر من بستند و مرا بر راه دلالت میکرد چون بر راه
رسیدم نرم نرم او از می میگردد و دستم که مرا و دل میبکشد
مسائل نانی ای الله از وی از نکه جلیل عسائی که مرزنده بود و قیصر
روم بودست و از آل حنیفه بود و همراه رسول امیر المومنین علیه السلام رضی الله
برای حسان رضی الله عنهما عهدیه دستار امیر المومنین علیه السلام رضی الله
عنهما تنها ترا طلبید چون حسان رضی الله عنهما در خانه امیر المومنین علیه السلام رضی الله
رضی الله عنهما رسید بسیار و سلام کرد و گفت یا امیر المومنین علیه السلام رضی الله
که من بوی عطایای آل حنیفه می شنوم از نزدیک تو امیر المومنین علیه السلام رضی الله
رضی الله عنهما گفت ای ای حسان جلیل عسائی برای او چیزی بساز
راوی گوید که والله که هرگز فراموش نمیکنم آن عجمی که از حسان
که بوی آل حنیفه را استنجان کردی آنکه ویر از آن خبر بود
مسائل نانی ای الله از وی از نکه جلیل عسائی که مرزنده بود و قیصر
روم بودست و از آل حنیفه بود و همراه رسول امیر المومنین علیه السلام رضی الله
برای حسان رضی الله عنهما عهدیه دستار امیر المومنین علیه السلام رضی الله
عنهما تنها ترا طلبید چون حسان رضی الله عنهما در خانه امیر المومنین علیه السلام رضی الله
رضی الله عنهما رسید بسیار و سلام کرد و گفت یا امیر المومنین علیه السلام رضی الله
که من بوی عطایای آل حنیفه می شنوم از نزدیک تو امیر المومنین علیه السلام رضی الله
رضی الله عنهما گفت ای ای حسان جلیل عسائی برای او چیزی بساز
راوی گوید که والله که هرگز فراموش نمیکنم آن عجمی که از حسان
که بوی آل حنیفه را استنجان کردی آنکه ویر از آن خبر بود

جول